

از رگا تا مُحَمَّدیه

سرگذشت و باستان‌شناسی سرزمین ری

بابک شیخ بیکلو اسلام*

*دانشجوی دکتری رشته باستان‌شناسی - باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(babak.bagloo@srbiau.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۳۰

چکیده

شواهد نخستین استقرار در سرزمین ری، بر اساس یافته‌های باستان‌شناختی به هزاره ششم ق.م باز می‌گردد. نام این شهر با واژه‌های مختلفی همچون راگا، اوروپوس، آرشکیه، محمدیه و ری در بسیاری از متون پیش از اسلام، چه کتیبه و چه کتاب، به عنوان یک مکان بسیار مقدس زردشتی یاد شده است، به وجهی که ظاهراً حتی حکومت مخصوص و تقریباً مستقلی برای خود داشته است. در زمان حمله عربها به ایران، اما، این شهر به دلیل خیانت‌های داخلی سقوط می‌کند، ولی همین رویداد نیز باعث می‌گردد تا از کشتار مردم شهر جلوگیری شود. مسلمانان، شهر قدیمی را تخریب و به جای آن در جهت جنوب شرقی، شهری دیگر بنا می‌کنند و به مرور زمان و در سده‌های بعدی، خصوصاً در دوره خلیفه محمد مهدی عباسی، این شهر توسعه بسیاری می‌یابد و به شکوفایی گذشته‌اش باز می‌گردد. از بناهای معروفی که هم اکنون در ری وجود دارند، می‌توان به آتشکده، قلعه طبرک، برج طغرل، بقایای مرمت شده باروی ری، برج نقاره‌خانه، دژ رشکان یا آرشکیان، قلعه گبری، گنبد اینانج و چشمه علی اشاره کرد که امروزه از آثار گردشگری این شهر محسوب می‌شوند. درباره وضعیت و سرگذشت بعضی از این بناها در متون اسلامی که توسط نویسندگان مختلفی نگاشته شده‌اند، مطالبی، هم افسانه‌ای و هم واقعی، وجود دارند که در این پژوهش در حد امکان به آنها پرداخته خواهد شد. هدف از این مقاله، برقراری ارتباط بین متون تاریخی دوران اسلامی درباره تاریخ و ویژگیهای بقایای بناهای تاریخی و باستانی در ری و یافته‌های باستان‌شناختی در این محوطه‌ها است. از بررسی مقایسه‌ای مدارک کتبی و کشفیات موجود چنین بر می‌آید که با پرداختن صرف به مکتوبات تاریخی، بدون در نظر گرفتن کاوشهای باستان‌شناختی به منظور تصدیق و یا رد رویدادهای نگاشته شده، نمی‌توان به درستی نسبت به سرگذشت یک سرزمین آگاهی یافت.

واژگان کلیدی: راگا، ری، محمدیه، متون اسلامی، باستان‌شناسی.

مقدمه

است اما گاهی جزء قلمروی خراسان و طبرستان نیز ذکر شده است. خوشبختانه، ورود لشگریان عرب به این شهر با کشتار و تخریب آتشکده معروف آن همراه نبود. نُعیم بن مُقَرِن پس از ورود به ری، بخش باستانی این شهر را از میان برداشت و ری نو را در ادامه جنوب شرقی آن احداث نمود. همچنین، محمد مهدی عباسی در قرن دوم ه. ق ری نو را توسعه داد و امر به ساخت و سازهای بسیاری، همچون مسجد، قلعه و خندق نمود و نام این شهر جدید را به محمدیه تغییر داد. ورود شیعیان و پا گرفتن این مذهب انقلابی در ری، احتمالاً از سده‌های دوم و سوم هجری بوده است و وجود مذاهب شافعی، حنفی و شیعه در این شهر، پیوسته موجبات بروز ناآرامی‌های بسیاری را فراهم می‌کرده و همین تلون مذاهب بخشی از تاریخ این سرزمین را شکل داده است.

این پژوهش نگاهی دارد به تاریخ و فرهنگ ری بر اساس بررسی و ارتباطدهی متون دوره اسلامی و برخی از مهمترین آثار باستانی موجود در این شهر. ابتدا، به موقعیت، اهمیت و پیشینه تاریخی ری در دوران پیش از اسلام پرداخته خواهد شد؛ سپس، سرگذشت این شهر و مذاهب مردمان آن در دوره‌های اسلامی (از ورود عربها تا تخریب ری توسط مغولان) مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ پیشینه مطالعات باستان‌شناختی در این ناحیه بیان

در فلات ایران، شهرهایی که از لحاظ قدمت فرهنگی و تاریخی همتای ری باشند، انگشت شمار هستند. این شهر که در قسمت غربی کوه بی‌بی‌شهربانو، در جنوب شرقی شهر تهران و در حاشیه مسیر مبادلاتی باستانی شرق-غرب، یا همان جاده ابریشم، واقع شده، دارای آب و هوایی نسبتاً معتدل، متمایل به گرم و خاک حاصلخیز برای کشاورزی است. به همین خاطر، واضح می‌باشد که از دوره‌های بسیار قدیم محل مناسبی برای جوامع روستانشین و همچنین، تاجرپیشه بوده است. در بعضی از دوره‌ها، ری به عنوان پایتخت حکومتهایی که بر ایران مسلط بودند، رونق و شکوفایی فراوانی داشته است و این از آثار باستانی برجای مانده در این شهر، با وجودیکه بسیاری از آنها به عمد و به سهو در گذر زمان تخریب شده‌اند، به خوبی مشهود می‌باشد. بیشترین اهمیت شهر ری مربوط به دوره‌های آرشکیان^۱، ساسانیان، آل بویه و سلجوقیان است. از متون تاریخی بر می‌آید که ری در سده‌های پیش از ورود اسلام به خاک ایران، یکی از اماکن مقدسه خاص زردشتیان بوده است که شاید فقط دو یا سه شهر دیگر با آن برابری می‌کردند. شهر ری در دوره اسلامی بخشی از عراق عجم به شمار می‌رفته

^۱ به دلیل آنکه روی سکه‌های این دوره، آرشک نوشته شده است، پس، به زعم نگارنده، برای عنوان این سلسله، آرشکیان صحیح‌تر از اشکانیان می‌باشد.

خواهد شد؛ و در انتها، هویت بعضی از مهمترین آثار باستانی ری با بهره‌گیری از متون تاریخی دوره اسلامی و یافته‌های باستان‌شناختی، تا حد امکان، معرفی و تحلیل خواهند شد.

شهر ری

درباره ری^۲ همین بس که در متون مقدس پارسیان به عنوان زادگاه زردشت معرفی شده است (معین، ۱۳۳۸: ج ۱، ص ۸۰). همچنین، در کتاب ونیدداد - از کتب پنجگانه اوستا - اهورا مزدا، ری را دوازدهمین کشور پاکی که آفریده است، معرفی می‌کند (ونیدداد، ۱۳۴۲، ص ۶۹). پیش از ورود عربها به ایران، شهر ری یک مرکز دینی برای زردشتیان و موبدان بود و از این روی، شهر مقدسی به شمار می‌رفت و ظاهراً یک حاکمیت مذهبی مختص به خود داشت (معین، ۱۳۳۸: ج ۱، ص ۱۵۷). ری بر طبق کتاب هفت اقلیم، در اقلیم چهارم^۳ قرار گرفته است که همان اقلیم آفتاب و در میان، دنیا می‌باشد؛ مکانی که اشرف و افضل اولاد بشر در آن زندگی می‌کنند (هفت اقلیم، ج ۲، ص ۳). ری در تقسیمات پیش از اسلام، جزء ماد بزرگ بوده و ماد راگیان یا ماد رازی نامیده می‌شده است (رک. پیرنیا، ج ۳،

ص ۲۲۱۷-۲۶۵۱). در حدود العالم آمده است (ص ۱۴۲): «ری شهریست عظیم و آبادان و با خواسته و مردم و بازرگانان بسیار». در تواریخ متعددی درج است که غنایم جنگی مسلمین از ری کمتر از غنایم مدائن نبوده است (طبری، ۱۳۵۲، ج ۵، ص ۱۹۷۵؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۱۵۲۸؛ فتوحات الاسلامیه، ۱۳۳۰ه.ق، ج ۱، ص ۱۳۰). ری حتی پس از حمله چنگیزخان که حدود ۷۰۰ هزار کشته و اسیر به جای گذاشت، در زمره شهرهای مشهور و اصلی دنیا به شمار می‌رفت (ریاض السیاحه، ۱۳۳۹ه.ق، ص ۶۶۹؛ نفحات الانس، ۱۳۳۶، ص ۴۳۵؛ هفت اقلیم، ج ۳، ص ۱۰؛ مرصادالعباد، ۱۳۱۲، ص ۹؛ ملحقات روضه الصفا، ۱۳۳۹ه.ق، ج ۹، ص ۱۹۷). همچنین، در کتب متعددی از قول اصمعی (عالم بزرگ اسلامی قرون ۲ و ۳ ه.ق) این شهر به عنوان عروس دنیا و از شهرهای مهم بازرگانی معرفی شده است (مختصرالبلدان، ۱۳۰۲ه.ق، ص ۱۰۴؛ احسن‌التقاسیم، ۱۹۰۶، ص ۳۸۵؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۶۰۰؛ هفت اقلیم، ج ۳، ص ۳). (تصویر ۱)

اما در خصوص آب و هوای ری، در آثار البلاد قزوینی (ص ۳۷۵) آمده است که آب این شهر به سبب ورود نجاسات و آلودگیهای ناشی از شست و شو بسیار کثیف است. در احسن‌التقاسیم (ص ۳۹۶) نیز موضوع آلودگی آبهای ری تصدیق شده است. در حدود العالم (ص ۱۴۲) مکتوب است که آب ری از

نامهایی که بر ری اطلاق شده است: راگس، راگو، رغه، رگا، راگو، راگا، راگیا، رای، ر، راک، راگ، راغ، رای، اروپا، اروپوس، ارشکیه، ارزاسیا (رک. به ری باستان، کریمان، ۱۳۴۵: ج ۱، ص ۶۸).

^۳ اقلیم هفت گانه: زحل، مشتری، مریخ، آفتاب، زهره، عطارد، قمر (رک. به هفت اقلیم).

درباره ری^۲ همین بس که در متون مقدس پارسیان به عنوان زادگاه زردشت معرفی شده است (معین، ۱۳۳۸: ج ۱، ص ۸۰). همچنین، در کتاب ونیدداد - از کتب پنجگانه اوستا - اهورا مزدا، ری را دوازدهمین کشور پاکی که آفریده است، معرفی می‌کند (ونیدداد، ۱۳۴۲، ص ۶۹). پیش از ورود عربها به ایران، شهر ری یک مرکز دینی برای زردشتیان و موبدان بود و از این روی، شهر مقدسی به شمار می‌رفت و ظاهراً یک حاکمیت مذهبی مختص به خود داشت (معین، ۱۳۳۸: ج ۱، ص ۱۵۷). ری بر طبق کتاب هفت اقلیم، در اقلیم چهارم^۳ قرار گرفته است که همان اقلیم آفتاب و در میان، دنیا می‌باشد؛ مکانی که اشرف و افضل اولاد بشر در آن زندگی می‌کنند (هفت اقلیم، ج ۲، ص ۳). ری در تقسیمات پیش از اسلام، جزء ماد بزرگ بوده و ماد راگیان یا ماد رازی نامیده می‌شده است (رک. پیرنیا، ج ۳،

^۲ نامهایی که بر ری اطلاق شده است: راگس، راگو، رغه، رگا، راگو، راگا، راگیا، رای، ر، راک، راگ، راغ، رای، اروپا، اروپوس، ارشکیه، ارزاسیا (رک. به ری باستان، کریمان، ۱۳۴۵: ج ۱، ص ۶۸).

^۳ اقلیم هفت گانه: زحل، مشتری، مریخ، آفتاب، زهره، عطارد، قمر (رک. به هفت اقلیم).

مشایخ و فقها و علما و رجال جلیل‌القدر و ائمه و اوتاد و پیشوایان و زهاد و سپاهیان و سران لشکر و ملوک عظیم‌الشأن ازدحامی است. و از خصایص ری وفور برف و یخ است و از برای فقاعش ذکر و بیانی است و برای ثیابش اسم و نشانی. طلاب و محصلینش را علم و اخلاق است و رساتیقش را قدر و منزلتی معتنابه. کتابخانه‌های خوب و عجیب دارد و بساتین خوب از خریزه و غیره و روزه که اسم دو مکان است از عراق اعلی و اسفل و وضعی خوش‌آیند دارد در ری است. و ری را قلعه و شهری است که اسواق رفیعه و خانات عالیه دارد و آلات و ادوات صنایعشان نفیس و پاکیزه است».

ری، از آغاز تا سقوط سلسله ساسانی

مستوفی بر طبق روایات افسانه‌ای آورده است که شهر ری را شیث بن آدم پیغمبر (عم) ساخت. هوشنگ پیشدادی در عمارت آن افزود و شهری بزرگ شد. بعد از خرابی، منوچهر بن ایرج بن فریدون تجدید عمارتش کرد، باز در زمان اسلامی خرابی یافت (نزهة القلوب، ۱۲۹۲، ص ۵۷). همچنین، در ملحقات تاریخ روضه صفای ناصری آمده است (۱۳۳۹هـ.ق، ج ۹، ص ۱۹۶) که ری و راز دو برادر بودند که به اتفاق هم شهری بنا کردند. آنها این شهر را به نام ری و مردمانش را رازی خواندند.

کاریزها تأمین می‌شود که احتمالاً به سبب همین آلودگی آب‌های جاری بوده است. درباره‌ی هوای ری، صاحب نزهة القلوب می‌گوید (ص ۵۷): «شهری گرمسیر است و شمالش بسته و هوایش متعفن و آبش ناگوارند». اما، اعتماد السلطنه در مجلد چهارم مرآة البلدان درباره‌ی این شهر نوشته است (۲۰۹۲-۲۰۹۳): «ری بلدی است با جلالت و بها و نبالت و صفا به کثرت مفاخر موصوف و به وفور ذخایر معروف و به اقسام فواکه مشحون و به انواع نعم مقرون. اسواق آن وسیع و خانات آن معتبر. حمامهای آن با نظافت و بساتین آن متنزه. پیوسته نعمت امنیت و ارزانی برای مردم ری حاصل و از شر گزندگان و جانورهای موزی محفوظ. قنوات کثیره و میاه و افره و مکاسب عدیده و تجارات مفیده دارد. و در این شهر از علمای اعلام و عوام زیرک و نسوان با عقل و تدبیر بسیار است. محلات ری پاکیزه و طیب است. هوایش لطیف و خاکش طرفه و با نظافت وضع است. اهل ری با جمال و کمال و عقل و فضل و برتری می‌باشند و مجالس تحصیل و مدارس تکمیل و قریحه‌ی اهل بلد و صنایع عجیبه و بدایع ظریفه و مکارم و خصایص ایشان زیاد است. هیچ گوینده‌ای خالی از فقاقت نیست و هیچ بزرگ و رئیسی بی علم و درایت. محتسبش صاحب اسم و خطیش بلیغ و ادیب. مختصر ری زیب و زینت بلاد اسلام است و از امهات بلدان محسوب می‌شود و در آن از پیران و

رومی آمد و از دجله تا ری را تصرف نمود، اشک دیگر بزرگ شده بود و بر علیه آنتیوخوس برخاست. او سپاهی مهیا کرد و به یاری شاهکهای دیگر با وی جنگید و او را شکست داده، کشت و قلمرویش را تصاحب کرد. اشک به همین مقدار قلمرو بسنده نمود. در دوره ارشکیان، ری به پایتختی رسید و یکی از شهرهای بسیار مهم ایران شد. در این زمان نام این شهر آرشکیه (ارزاسیا) بوده است (کریمان، ۱۳۴۵، ص ۷۷). وقتی ساسانیان به شاهنشاهی ایران رسیدند، بار دیگر این شهر را به نام باستانی، ری، نامیدند (تطبیق لغات جغرافیایی، ۱۳۷۶، ص ۵۴). درباره برداشتن آتش مقدس از ری اینگونه در تواریخ نقل است که پس از شکست سپاه ساسانی از لشکریان عرب در جنگ جلولا (۱۷ ه.ق)، یزدگرد سوم به امید فراهم آوردن نیروهای تازه به سوی شرق شتافت. او در مسیر خود به ری رفت^۴ و پس از برداشتن آتش مقدس، به سال ۲۲ ه.ق راهی خراسان شد (طبری، ۱۳۵۲، ج ۵، ص ۱۹۹۸؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۱۵۳۹).

ری در اواخر سده نوزدهم میلادی، زمانی که بالاخره توجه مشتاقانه مجموعه‌داران غربی، اعم از خصوصی و سازمانی، به سفالهای اسلامی جلب می‌شود، به عنوان یک محوطه باستانی تحت عنوان «راگس» معروفیت می‌یابد. برای مذهبیون غربی، ری

گیرشمن، در تأیید سخن تورات که سارگن دوم آشور پس از براندازی دولت شمالی کنعان، موسوم به اسرائیل، مردمان این سرزمین را به حلح، خابور و شهرهای مادیان کوچانیده بود (عهد عتیق، کتاب دوم پادشاهان، ۱۷/۶ و ۱۸/۱۱)، می‌گوید، آشوریان جمعی از یهودیان را در ری نزدیک تهران مسکن دادند که این در راستای سامان دادن به وضعیت سرزمینهای تصرف شده بود (گیرشمن، ۱۳۷۹، ص ۱۰۵). در کتیبه داریوش هخامنشی روی سینه کوه بیستون، نام ری به صورت «رگا» ذکر شده است. در این کتیبه، داریوش به ماجرای شورش فرورتیش مادی و شکست وی و دستگیریش در این ناحیه (ری) پرداخته است. همچنین، داریوش نویسانده است که سپاه پارس را از ری به نزد پدرش، ویشتاسپ، فرستاده تا شورش پرثوه (پارت) را سرکوب کند.^۵ در دوره سلوکی، به گفته استرابون، ری بر اثر زلزله‌ای شدید ویران شد و سلوکوس اول بار دیگر این شهر را ساخت و اروپوس نامید (کریمان، ۱۳۴۵، ص ۷۶). درباره دوره ارشکیان، بلعمی در تاریخ نامه طبری می‌گوید (۱۳۵۳، ج ۲، ص ۷۲۶-۷۲۸)، دارای مهتر، پسری داشت به نام اشک (ارشک) که در زمان حمله اسکندر، کودک بود و در ری زندگی میکرد. وقتی اسکندر، برادرش، دارای کهتر را کشت از دست او کاری ساخته نبود، اما زمانیکه انطیخس (آنتیوخوس)

^۴ ر.ک. به ترجمه کتیبه بیستون در فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی، شارپ،

^۵ البته در بعضی از روایات، رفتن یزدگرد به ری ذکر نشده است.

است، گروهی را به من بسپار تا به دور از چشم ایشان از مدخلی وارد شهر شوم. بدین ترتیب، ری سقوط کرد و غنیمتی همتای مدائن به اعراب داد. به وساطت زینبی، میان مردم ری و سپاه عرب صلح افتاد و قرار شد در ازای پرداخت جزیه و خراج به دولت اسلامی در امان بمانند. سپس، به دستور نعیم، ری باستانی تخریب شد و ری نو در مشرق آن بنا گردید (طبری، ۱۳۵۲، ج ۵، ص ۱۹۷۴-۱۹۷۶؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۱۵۲۷-۱۵۲۸). باقی ماندن آتشکده ری می‌تواند حاکی از ورود مسالمت آمیز یا با خدعه لشگریان عرب به شهر ری باشد.

هنگامی که عُمَر بن خَطَّاب، عمار را عزل کرد و مُعَیْرَةُ بن شعبه را بر کوفه ولایت داد، مغیره، کثیر بن شهاب حارثی را والی ری و دستیابی کرد. کثیر چون به ری رفت، بدید که اهل آن نقض فرمانبرداری کرده‌اند، پس با آنان بجنگید تا باز از در اطاعت درآمدند و خراج و جزیه به گردن گرفتند. در ایام معاویه نیز شهاب مدتی والی ری و دستیابی بود. چون سعد بن ابی‌وقاص برای دومین بار بر کوفه ولایت یافت، به ری آمد و آن دیار دچار آشوب بود و او آن را اصلاح کرد. بکر بن هیشم از یحیی بن زریس، قاضی ری روایت کرد که ری پس از آنکه در زمان حدیفه فتح شد، مداماً سر به عصیان بر می‌داشت و باز فتح می‌شد تا آنکه آخرین بار قرظَةُ بن کعب انصاری در زمانی که ابوموسی از جانان عثمان بر

از جنبه دیگری نیز اهمیت داشت، چرا که نام آن در اسفار مشکوک آمده است: توییت پسرش تویباس را از نینوا به این شهر می‌فرستد تا گنجینه‌ای نقره‌ای را که در آن دفن شده بود بیابد (توییت، ۱/۱۴)؛ و در کتاب جودیت (۱/۱۵) محل دشتی که نبوکدنصر بر آرفَخَشَد، پادشاه ماد، چیره می‌شود در مجاورت ری ذکر شده است (واتسون، ۱۳۹۳، ص ۲۳).

ری، در دوران اسلامی

در تاریخ طبری نقل شده است که در سال ۲۲ه.ق، نُعَیم بن مُقَرَّن^۶ رهسپار ایران، ری شد. پسر فرخان، زینبی (زینبندی)، که با سیاوخش^۷ دشمنی داشت، با اعراب سازش کرد و به ایشان پیوست و سیاوخش در پای کوه ری با نعیم روبرو شد. زینبی از نعیم خواست که چون سپاه وی بیش از سپاه تو

^۶ لازم به ذکر است که در تمامی کتب مختلف تاریخی، سال فتح ری و نام سردار عرب فاتح این شهر یکسان نیست. این تاریخ از سال ۱۸ تا ۲۲ ه.ق متغیر است و اسامی افراد نیز چنین نقل شده‌اند: نعیم بن مقرن، عروه بن زید، قرضه بن کعب الانصاری، سوید بن مقرن، عبدالله بن عمر و غیره، اما اجماع آراء بر سال ۲۲ ه.ق و شخص نعیم بن مقرن است (رک. به کریمان، ۱۳۴۵: ۱۵۲-۱۶۱). در این باره، بلاذری نقل کرده است که: عباس بن هشام کلبی از پدر خود و او از ابومخنف روایت کرد که عمر بن خطاب دو ماه پس از واقعه نهاوند به عمار بن یاسر عامل خود بر کوفه نوشت تا عروه بن زید الخلیل طائی را با هشت هزار تن به ری و دستیابی فرستد و او چنان کرد. عروه به آن سامان رفت و دیلمیان به مقابله وی گرد آمدند و اهل ری نیز ایشان را مدد دادند و با او به نبرد پرداختند. خداوند وی را بر ایشان ظفر داد و آنان را بکشت و از ریشه برکند. سپس برادرش حنظله بن زید را بر آن بلد گمارد و خود نزد عمار آمد... (فتوح البلدان، ۱۳۳۷، ص ۴۴۵-۴۴۶)

^۷ در این زمان مرزبانی ری بر عهده سیاوخش، سپهبدی از خاندان مهران و از فرزندان بهرام چوبین، بود (رک. به طبری، ۱۳۵۲، ج ۵، ص ۱۹۷۴).

کوفه ولایت داشت آن را بگشود و از آن پس استوار ماند. عمال ری در قلعه زینبیدی منزل می‌گزیدند و در مسجدی که جلوی قلعه ساخته شده بود نماز جمعه می‌خواندند. این مسجد در محصوره دیواری قرار گرفته بود که آن سوی باروی قلعه کشیده شده بود. گویند قرظه سپس از سوی علی به ولایت کوفه رسید و همانجا بمرد و علی (رضی الله عنه) بر او نماز خواند. عباس بن هشام از پدر خود و او از جد وی حکایت کرد که علی^ع، یزید بن حجه بن عامر بن تیم الله بن ثعلبه بن عکابه را بر ری و دستی ولایت داد و چون در خراج اختلاس کرد، علی^ع او را به زندان افکند. یزید از زندان خارج شد و به معاویه پیوست. ابوموسی خود به غزای ری رفت. اهل ری از فرمان برداری خارج شده بودند و او آن بلد را بر قرار وضع نخستش بگشود. جعفر بن محمد رازی با من گفت که امیر المؤمنین مهدی در عهد خلافت منصور بیامد و مدینه ری که هم اکنون مردمان در آن می‌زیند بساخت و اطراف آن خندقی حفر کرد و مسجد جامعی را به دست عمار بن ابی-الخصیب بنا کرد و نام خود را بر دیوار مسجد بنوشت و تاریخ بنای آن را سال صد و پنجاه و هشت ذکر کرد و دیوار کوتاه‌تری آنسوی باروی مدینه بساخت که برگرد آن فارقینی با آجر بنا شد، و نام مدینه ری را مُحَمَّدیه نهاد. مردم ری محمدیه را مدینه داخلی و بخش فاصل دو دیوار را مدینه

خارجی مینامند. دژ زینبیدی داخل محمدیه است. مهدی بفرمود تا آن دژ را مرمت کنند و در آن منزل کرد. دژ زینبیدی بر مسجد جامع و دارالاماره مشرف است و بعد به زندان بدل شد. گویند شهر ری را در زمان جاهلیت، ارازی می‌خواندند و می‌گویند که آن شهر در دل خاک پنهان شده است. ارازی در شش فرسنگی محمدیه بوده و نام ری را از آن گرفته‌اند. گویند خراج ری همچنان دوازده درهم بود تا آنکه مأمون در بازگشت از خراسان بر سر راه مدینه السلام از ری گذشت و دو هزار هزار از خراج ری کسر کرد و این میزان را برای اهل آن شهر تسجیل نمود (فتوح البلدان، ۱۳۳۷، ص ۴۴۷-۴۵۰).

عبیدالله پسر زیاد فرمانداری ری را به عمر بن سعد بن ابی‌وقاص بداد تا به جنگ با حسین بن علی^ع تن در دهد. پس دنیادوستی و ریاست او را به کشتن حسین^ع کشاند و شد آنچه شد. از جعفر صادق^ع روایت است که گفت: ری و قزوین و ساوه شوم و نفرین شده هستند. اسماعیل پسر سلیمان گوید شهری پست‌تر از ری ندیده‌ام و در گزارش‌ها آمده است که خاک آن خاکی دیلمی و نفرین شده است که در کنار دریایی از گرد و غبار و هرگز حق در آن مورد قبول قرار نمی‌گیرد (معجم‌البلدان، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۶۰۰).

پس از مرگ یزید در سال ۶۴ هـ.ق، مردم ری به رهبری فرخان رازی شوریدند و امیر کوفه، عامر بن

آمده است (۱۳۱۸، ص ۵۲۵): «پسر منصور، مهدی، به فرمان پدر آنجا رفت بر عزم خراسان و بر دیوار شهر بفرمود کردن و بسیاری زیادت اندر گرفت و قصرها کرد و شهرستان و مسجد جامع و به نام خود محمدیه نام کرد. این جایگاه که اکنون ری زیرین است و شهر قدیم اول خراب گشت و اینجا عوض کردند چنانکه یاد کردیم و ابتدا این عمارت در شهر سنهٔ اثنین و خمسین و مایهٔ بود و بعد سالها تمام گشت». ری در زمان محمد از نظر وسعت و جمعیت از تمامی دوران پیشی گرفت و در دورهٔ جانشینانش در قرن ۳ه.ق، به اوج عظمت دست یافت (کریمان، ۱۳۴۵، ص ۱۳۰).

پس از محمد مهدی، موسی هادی به خلافت رسید. او که در ۱۴۶ه.ق در شیروان ری متولد شده بود، در این ناحیه بناهایی ساخت و دست به آبادانی بسیار زد (معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۱۵). پس از موسی، برادرش ابوجعفر هارون الرشید خلیفه شد. زادگاه او نیز ری بود، پس به این شهر توجهی خاص نشان داد. او در ۱۷۷ه.ق، فضل بن یحیی را به ولایت ری، گرگان و طبرستان منصوب کرد. فضل در ۱۸۰ه.ق عزل و محمد بن یحیی بن حارث جانشینش شد. خلیفه در ۱۸۹ه.ق با پسرانش به ری آمد و عبدالله بن مالک خزاعی را والی ری، طبرستان، دماوند، قومس و همدان کرد (ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۳۶۲۵ و ۳۶۶۲ و ۳۷۱۹؛ یعقوبی، ج ۳، ص ۱۵۶).

مسعود، محمد بن عُمیر بن عَطارد را برای سرکوبی اعزام کرد که موفق نشد و شکست خورد. سپس عامر، عَتّاب بن وَرَقای ریاحی تمیمی را فرستاد که فرخان از او شکست خورده کشته شد (ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۲۳۳۰).

تا ظهور عباسیان، مردمان ری چند بار شورش کردند و والیان متعددی بر این ناحیه حکم راندند. ابومسلم خراسانی در ۱۲۹ه.ق قیام کرد و یکسال بعد خراسان را به فرماندهی قحطبه تصرف کرد. حسن بن قحطبه در ۱۳۱ه.ق بدون جنگ وارد ری شد و مردمانی که پیرو امویان بودند شهر را ترک کردند. تدابیر امنیتی سختی در ری به کار گذاشته شد چرا که مردم را با امویان می‌دیدند (ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۷، ص ۳۲۵۸-۳۲۵۹؛ یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۲۰). در سال ۱۳۲ه.ق، پس از چندی کشمکش، سرانجام ابوالعباس، سلسله عباسی را بنیاد نهاد.

محمد، ملقب به مهدی، به ری توجهی خاص نشان داد. او پیش از آنکه در ۱۵۸ه.ق پس از پدرش، منصور دوانیقی، خلیفهٔ عباسی شود، به ری رفت^۸ و بخش زیرین این شهر را در جنوب شرقی بخش برین احداث نمود (تصویر ۴). در سال ۱۴۹ه.ق ری به نام وی، محمدیه خوانده شد. در مجمل‌التواریخ

^۸ چون عبدالجبار بن عبدالرحمن ازدی، امیر خراسان، علیه منصور دوانیقی شورش کرد، در سال ۱۴۱هجری عزل شد و منصور، پسرش محمد را برای سرکوبی او اعزام کرد. او پس از شکست عبدالجبار به ری رفت و در این شهر تغییراتی ایجاد نمود (رک. به کریمان، ۱۳۴۵، ص ۸۰-۸۱).

۲۷۲ه.ق به فکر تصرف ری افتاد اما از وی شکست خورد (ابن اسفندیار، ۱۳۳۰، ج ۱، ص ۲۵۲). در ۲۷۵ه.ق احمد بن حسن ماردانی، خدمتگذار پیشین اذکوتکین پسر اساتکین، به ری دست یافت و به قولی، تشیع را در این شهر بال و پر داد (معجم البلدان، ج ۲، ص ۹۰۱).

امیر اسماعیل سامانی پس از مرگ برادرش در سال ۲۷۹ه.ق والی ماوراء النهر شد و علم استقلال بلند کرد. او عمرو لیث را از میان برداشت و در ۲۸۷ه.ق از سوی المعتضد، والی خراسان، طبرستان و گرگان شد و عملاً کار دولت سامانی آغاز گردید (مجموع التواریخ و القصص، ۱۳۱۸، ص ۳۶۸). در ۲۸۹ه.ق خلیفه المکتفی، خراسان را به شرط آنکه پس از وی به پسرش احمد برسد به اسماعیل سامانی واگذار کرد و همچنین، ولایات ری، قزوین و زنجان را نیز به آنها ضمیمه نمود (رک). به معجم البلدان، ج ۲، ص ۹۰۰-۹۰۱) و بدین ترتیب بار دیگر (پس از سقوط ری توسط اعراب) حاکمیت این شهر به دست خاندان مهران افتاد.^۹

ری در زمان آل بویه به پایتختی رسید. در معجم البلدان آمده است^{۱۰}: «فخرالدوله پسر رکن الدوله پسر بویه دیلمی قلعه قدیمی ری را تجدید عمارت کرد و بنای آن را استوار و قصرها و خزائن آن را بزرگ

هارون بار دیگر در سال ۱۹۲ هجری به ری رفت و از آنجا به طوس و یکسال بعد درگذشت (یعقوبی، ج ۳، ص ۱۶۰؛ مجمل التواریخ و القصص، ۱۳۱۸، ص ۳۴۸).

مأمون وقتی به خلافت رسید، میان او و برادرش امین، جنگی در نزدیکی ری در ۱۹۵ه.ق حادث شد که با کشته شدن علی بن عیسی، فرمانده سپاه امین، او پیروز شد (مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۳۳؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۳۷۶۵-۳۷۷۲). خلیفه مأمون در ۲۰۴ه.ق به ری آمد و به شکوه و خواست مردم از مالیات این شهر کاست (معجم البلدان، ج ۲، ص ۸۹۶).

در ۲۵۰ه.ق حسن بن زید (داعی کبیر) در طبرستان قیام کرد و گرگان و ری را نیز به زیر سلطه خود درآورد. درگیری‌هایی بین عامل حسن و کارگذار محمد بن طاهر در گرفت که در نهایت (۲۵۵ه.ق) به گوش خلیفه، معتز بالله، رسید و او موسی بن بغارا را به ری فرستاد و او توانست دوباره ری را بدست عباسیان آورد. اما، دو سال بعد در زمان المعتمد، بار دیگر ری به فرمان حسن در آمد و موسی بن بغاصلابی والی ری گردید (معجم البلدان، ج ۳، ص ۵۰۶؛ مجمل التواریخ و القصص، ۱۳۱۸، ص ۴۵۹).

در سال ۲۶۶ه.ق اساتکین ترک بر ری استیلا یافت و محمد بن زید، جانشین حسن بن زید، در

^۹ لازم به ذکر نیست که اسماعیل سامانی خود را از خاندان مهران می‌خواند (م).

^{۱۰} گرفته شده بدون منبع مستقیم از قدیانی، ۱۳۷۹، ص ۹۸

به گفته یاقوت، با حمله مغول، فقط باروی شهر از خرابی نجات یافت ولی غالب ابنیه آن با خاک یکسان شد (معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۵۵-۳۶۰). غازان خان برای جلوگیری از ویرانی بیشتر ری، تعداد اندکی عمارت به آن افزود و جمعی را ساکن کرد، اما ری آباد نشد، زیرا اهالی آن به دو محل ورامین و تهران که نزدیک ری بود و مخصوصاً به ورامین که هوایش از ری بهتر بود، نقل مکان کرده بودند (لو استرنج، ۱۳۳۷، ص ۲۳۳). کلاویخو، سیاح معروف دوره تیموری، که این خرابه‌ها را دیده می‌گوید: «بناهای شهری عظیم را دیدم که متروک مانده و ویران گشته بود، اما بسیاری از برجهای آن هنوز هم پا برجا بوده و خرابه‌های چند مسجد را دیدم. این آثار همان شهر ری است که در گذشته بزرگ‌ترین شهر آن منطقه بود، اما اکنون این شهر ویران و خالی از سکنه می‌باشد.» (کلاویخو، ۱۳۳۷، ص ۱۷۶)

مذاهب مردم ری پس از ورود مسلمین

مسلمانان ری در ابتدا اهل سنت بودند ولی به تدریج به سه شعبه بزرگ شیعه، حنفی و شافعی تقسیم شدند. از نظر تعداد، اکثریت با شیعیان، سپس حنفیان و در آخر با شافعیان بود (نزهة القلوب، ۱۳۳۱ هـ.ق، ص ۵۴). ورود تشیع به ری را می‌توان تا اواخر قرن اول هجری به عقب برد، چراکه حضور گروهی از پیروان امام محمدباقر در ری گزارش شده

گردانید و به اسلحه و ذخایر استوار و پر ساخته و آنجا را فخرآباد نام نهاد».

محمود غزنوی با فتح ری عملاً آل بویه را در ۴۲۰ هـ.ق ساقط کرد. او که قصد داشت این پیروزی را همچون غزوه‌های هند در نظر خلیفه عباسی و اهل سنت نوعی خدمت به شریعت جلوه دهد، در ری نسبت به اطرافیان مجدالدوله و شیعه ولایت خشونت و شدت عملی بسیار نشان داد. مجدالدوله را دستگیر کرد و عده‌ای از نزدیکان او را که بعضی از آنها علماء عصر بودند به دار زد و کتابخانه پربهای قوم را هم به این بهانه که متضمن فلسفه و مذهب معتزله و اهل نجوم است به آتش کشید. روزگار بر ری چنین بود تا آنکه در ۴۳۴ هـ.ق طغرل سلجوقی از خراسان به ری آمد و آنجا و بلاد دیگر را تصرف کرد و قلعه طبرک را در اختیار گرفت. او این شهر را پایتخت خود کرد و فرمان داد تا خرابیهای آنجا را آباد کنند. پس از وفات طغرل، پیکر او را در برج منسوب به او در ری به خاک سپردند (قدیانی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰-۱۰۱). با ورود مغولان در اوایل قرن هفتم هجری به ری، این شهر به سبب جنایات و ویرانگری‌های این اقوام نیمه وحشی به کلی از رونق افتاد و تبدیل به روستایی در جنوب تهران شد و تنها در عصر پهلوی دوباره وسیع و آباد گردید و از نو نام شهر ری به خود گرفت (قره‌چانلو، ۱۳۵۶، ص ۱۲۲).

غزنوی (ح. ۴۲۰ ه.ق)، چون یک حنفی مذهب متعصب بود، شکنجه و اعدام شدند. بر طبق حبیب السیر (ج ۲، ص ۵۴) او پس از تسخیر ری و دستگیری مجدالدوله نامه‌ای به خلیفه القادر فرستاد و نوشت: «طایفه‌ای از بدباطنان [شیعیان] را که ملازمش بودیم بر دار اعتبار کشیدیم و معتزله ری را به طرف خراسان کوچانیدیم...».

در زمان سلجوقیان، شیعیان به یک آزادی و آسودگی نسبت به دوره غزنویان دست یافتند و توانستند در مقامهای عالی سیاسی نفوذ کنند (کریمان، ۱۳۴۰، ص ۱۰۶). در زمان نظام الملک که شافعی مذهب بود (النقض، ۱۳۳۱، ص ۹۷)، عالمان شیعه محترم شمرده می‌شدند (همانجا، ص ۱۰۸). در این دوره، شیعیان به آزادی برای شهادت کربلا عزاداری می‌کردند. البته این سنت را شافعیان و حنفیان ری نیز اجرا می‌کردند؛ در آغاز محرم، برای قتل عثمان و علی و روز عاشورا برای قتل حسین مراسم عزاداری می‌گرفتند (همانجا، ص ۴۰۴). طغرل سلجوقی که مقبره‌اش در ری است، خدمات شایانی در راستای آبادانی این شهر انجام داده است. حکومت خوارزمشاهیان، سنی مذهب بود و روشن است که با شیعیان مخالفت کرده به ایشان سخت می‌گرفت. با حمله مغولان، ری دچار ویرانی گردید و اهل تشیع و تسنن، هردو ضعیف شدند. تا آنکه سرانجام خورشید استقلال بار دیگر، و اینبار از

است. همچنین، لازم به ذکر است که وفات حضرت عبدالعظیم در ری حدود ۲۵۰ ه.ق و سید حمزه موسی، پیشتر از ایشان بوده است (کریمان، ۱۳۴۵، ص ۵۰-۵۱).

سلسله آل بویه یک حکومت شیعه مذهب بود و یکی از سنن مهم ایشان برپایی عزاداری در مصائب آل علی^ع بوده است. معزالدوله بویهی فرمان داد تا در منابر بغداد معاویه را لعن کنند و در سال ۳۵۲ ه.ق دستور داد تا در روز عاشورا مردم دکانها را ببندند و زنان با موی پریشان نوحه کنند و لباس سیاه بپوشند. آل بویه در حدود سال ۴۰۰ ه.ق امر کردند تا در روز عاشورا دسته‌هایی با طبل و علم به راه افتند. در طول حکومت ۱۱۳ ساله این سلسله، تشیع توانست با آزادی نسبی موجود دامنه‌های فکری خویش را توسعه داده و عقاید و احادیثش را منظم گرداند (قدیانی، ۱۳۸۸، ص ۹۹).

فرقه اسماعیلیه که از قرن سوم در ری نفوذ کرده بود، در دوره حسن صباح رشد بیشتری یافت (رک). به تاریخ جهانگشا، ج ۳، ص ۲۰۱). نزاعهای میان شیعیان و اهل سنت و همچنین، فرق مختلف اهل سنت (حنفی و شافعی) با یکدیگر در ری، یکی از مسائل همیشگی پر خشونت در این شهر بوده است که نشانه‌هایی از آنها را می‌توان در لابه لای نوشته‌های مورخان یافت (رک). به معجم البلدان، ج ۲، ص ۸۹۳). بسیاری از شیعیان ری در زمان محمود

آذربایگان، طلوع کرد و با ظهور سلسله شیعی صفویه، شیعیان به اعتلای خود رسیدند (تصویر ۵).

پیشینه بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناختی در ری

اولین کاوش علمی در ری، در فاصله سالهای ۱۹۳۴ و ۱۹۳۶ در قالب پروژه مشترک موزه هنرهای زیبای بوستون و بنیاد خانم ویلیام بويس تامپسون دانشگاه پنسیلوانیا به اجرا در آمده است. سرپرستی این کاوشها را اریش فریدریش اشمیت، باستان‌شناس آلمانی-آمریکایی عهده‌دار بود (ترپتو، ۱۳۹۳، ص ۳۲). اشمیت در ری سه فصل کاوش انجام داد که شامل محوطه‌های چشمه‌علی، قلعه گبری در امتداد بخش جنوبی حصار محوطه، در یک برج آرامگاه در نزدیکی حاشیه شهر، در یک بخش سکونتی مربوط به دوره سلجوقی (سده‌های یازدهم - سیزدهم میلادی) در نزدیکی ویرانه‌های حرم بی‌بی زبیده در مرکز شهر، تپه کهنذر، باغ ابوالتح زاده در جنوب کهنذر و بخش حکومتی در داخل ربض درونی شهر (داخل حصار اصلی)، محوطه‌های بیرون از ربض اندرونی، ارگ و ویرانه‌های کاخ چال ترخان می‌شود (تصویر ۲). بر طبق نتایج این سه فصل کاوش، قدیمی‌ترین استقرار در ری از محوطه چشمه‌علی شناسایی شده و به هزاره ششم ق.م باز می‌گردد (Schmidt, 1934a, 1934b, 1935a, 1935b,)

1937, 1936b, 1936a) (تصویر ۳). گزارش نهایی این کاوشها به دلیل برخی عوامل خارجی از قبیل درگرفتن جنگ جهانی دوم و مرگ ناگهانی اشمیت در سال ۱۹۶۴ هرگز منتشر نشد. اشیایی که از این کاوشها کشف شده‌اند میان موزه‌های مختلف تقسیم شده که بخش اعظم آنها در تهران و پنسیلوانیا قرار دارند (ترپتو، ۱۳۹۳، ص ۳۹-۴۰).

در خلال کاوشهای پای کوه طبرک که بین سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ انجام گرفت، یحیی کوثری موفق به کشف یک گورستان قرون اولیه اسلامی شد. این کاوشها ده سال پس از انقلاب، در سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ پیگیری شدند و چند کوره دو منظوره تولید آجر و سفالهای معروف به فقاع در محله دیلمان ری یافت گردیدند (کابلی، ۱۳۷۸). در ۱۳۷۰ کوثری در قلعه گبری (کوثری، ۱۳۷۵) و امیری در منطقه پارک وحدت و پژوهشگاه شهید رجایی ری (امیری، ۱۳۷۰) دست به کاوش زدند. حمیده چوبک در ۱۳۷۲ در پارک دولت آباد ری گورستانی از دوره آل بویه را شناسایی کرد (چوبک، ۱۳۷۲). در ۱۳۷۶ احمد امیری در محوطه کانون فرهنگی-تربیتی سمیه شهر ری گمانه‌زنی کرد و دیواری یافت با قدمت احتمالی دوره آل بویه (امیری، ۱۳۷۶). در همین سال، محمد رحیم صراف به کاوش مجدد چشمه‌علی پرداخت که یافته‌هایش موضوع تز دکتری حسن فاضلی گردید (Fazeli, 2001). در ۱۳۷۷ کوثری

نگاهی به تعدادی از آثار دوره اسلامی ری

در این بخش به توصیف و بررسی تعدادی از مهمترین آثار مربوط به میراث فرهنگی ری به نام‌های آتشکده ری (تپه میل)، قلعه طبرک، برج طغرل، باروی باستانی ری، برج نقاره‌خانه، دژ رشکان یا ارشکیان، قلعه گبری، گنبد اینانج و چشمه‌علی پرداخته می‌شود. موقعیت برخی از آنها در تصویر ۶ قابل مشاهده است.^{۱۱}

آتشکده ری. در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی حضرت عبدالعظیم (ع)، بر فراز تپه‌ای به نام تپه میل، آثار بنایی کهنه از عهد ساسانیان به چشم می‌خورد. این اثر تاریخی، بقایا و رسوم و اطلال آتشکده بزرگ ری است (کریمان، ۱۳۴۵، ص ۳۴۲). در خصوص آتشکده ری^{۱۲} می‌توان این سخن معروف طبری را نقل کرد: «به ری آتشگاهی بود که از آن قدیمتر نبود» (طبری، ۱۳۳۴، ص ۵۵). مسعودی احداث این آتشکده را به شاه افسانه‌ای، فریدون، نسبت می‌دهد و پس از ذکر نام ده آتشگاه، می‌گوید اینها متعلق به پیش از ظهور زردشت، پیامبر مجوس هستند (مروج الذهب، ج ۱، ص ۶۰۳-۶۰۹). همچنین، به گفته وی

در حسینیه مهربانی‌ها توانست سفالهای اسلامی و آثار معماری کشف کند (کوثری، ۱۳۷۷). حسن فاضلی نیز به بررسی استقرارهای دوره نوسنگی و مس‌سنگی دشت تهران پرداخت (فاضلی، ۱۳۷۷). یکسال بعد، فرشید مصدقی در بخش جنوبی تپه چشمه‌علی کاوش نمود (مصدقی، ۱۳۷۸). در پروژه بررسی و شناسایی شهرستان ری در سال ۱۳۸۱، افروند و پوربخشنده موفق به کشف چندین اثر و محوطه باستانی شدند (افروند و پوربخشنده، ۱۳۸۱). حسن فاضلی در بین سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ به سرپرستی یک تیم ایرانی-انگلیسی طی چند فصل دشت تهران را مجدداً مورد بررسی قرار داد. در سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ غدیر افروند در دژ رشکان دست به کاوش زد (افروند، ۱۳۸۵). در ۱۳۸۵ محوطه‌هایی همچون انیس‌آباد، خانلق، شمس‌آباد و طالب‌آباد، متعلق به دوران اسلامی، توسط سازمان میراث فرهنگی استان تهران گمانه‌زنی و تعیین حریم شدند (رضایی‌نیا، ۱۳۸۵ الف-ت). جدیدترین کاوشهای این ناحیه مربوط می‌شود به کاوشهای نجات‌بخشی اتوبان امام علی (ع) که طی دو فصل در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به سرپرستی محمد مرتضایی انجام گرفته است (مرتضایی و دیگران، ۱۳۹۳).

^{۱۱} آنهایی که در نقشه نیامده‌اند به دلیل نزدیکیشان به محل‌های مشخص شده است و از روی آنها می‌توان موقعیت دیگران را هم دریافت.
^{۱۲} «این محل که به نام تپه میل خوانده می‌شود، بقایای آتشکده معظمی از دوره ساسانیان است. اداره کل باستان‌شناسی از سال ۱۳۳۰ به بعد کم و بیش به مرمت و تعمیر و خاکبرداری و حفاری‌های لازم آن پرداخته است.» این متن روی سنگ مرمت این بنا توسط اداره میراث فرهنگی حکاکی شده است.

چرا که این قلعه بر روی کوه کوچکی واقع شده است. حمدالله مستوفی در نزهة القلوب نوشته است (ص ۵۳) که در شمال ری قلعه طبرک در پای کوه افتاده است. این قلعه ظاهراً در اوایل ظهور اسلام وجود نداشته است و نخستین بار در طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری (۱۳۴۱ هـ.ق، ص ۲۹۰)، در ذکر مکان دفن ابراهیم خواص بیان شده است که وی به سال ۲۹۱ هـ.ق در زیر حصار طبرک به خاک سپرده شده و تا این تاریخ سیزده سال از احداث این قلعه سپری شده بود. ابن اسفندیار در تاریخ طبرستان آورده است (۱۳۳۰، ج ۱، ص ۶۱): «افراسیاب آنجا که دولاب و طهران است لشکرگاه کرد و هر روز بر منوچهر چیرگی می‌یافت، بفرمود (منوچهر) تا عمارت قلعه طبرک کنند، و اول کسی که بنیاد آن قلعه فرمود او بود.» البته لازم به ذکر نمی‌باشد که این تاریخ افسانه‌ای، ابداً قابل تصدیق نیست. در معجم البلدان (ج ۲، ص ۸۹۵؛ ج ۴، ص ۴۳۱) آمده است که احتمالاً رافع بن هرثمه در سال ۲۷۸ هـ.ق قلعه طبرک را ساخته است. این قلعه در دوران آل بویه، غزنویان و سلجوقیان اهمیت فوق العاده داشته و کشمکشها و سوانح بسیاری در آن رخ داده است (مصطفوی، ۱۳۶۱، ص ۱۴۱). قلعه طبرک در گذر زمان، چندین بار تخریب و بازسازی شده است. زمانیکه سلطان طغرل ری و قلعه مزبور را بدست آورد، روزی به پیش اردشیر بن حسن بن رستم، هفتمین پادشاه فرقه

(ص ۶۰۴): «آتشکده‌ای در سیروان و ری بود که بت‌ها داشت و انوشیروان بت‌ها را برون ریخت. گفته‌اند که وقتی انوشیروان به این آتشکده رفت، آتشی بزرگ در آنجا بود و آنرا به محل معروف به برکه انتقال داد».

در سالهای ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ یک هیأت باستان‌شناسی فرانسوی به سرپرستی ژاک دمورگان کاوشهایی را در ری، از جمله تپه میل، انجام داد و پس از آن، در دهه ۱۹۳۰ اریش اشمیت این ناحیه را با دقت بیشتری بررسی نمود. نقوش گچ‌بری بسیاری مربوط به دوره ساسانی و اوایل اسلامی طی این کاوشها بدست آمدند (واندنبرگ، ۱۳۴۵، ص ۱۲۰-۱۲۱). در بین سالهای ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۴ یک هیأت ایرانی کار حفاری و مرمت قسمتهایی از این بنا را بر عهده گرفت و آخرین فصل کاوشها و بررسی‌های باستان‌شناختی در محوطه مزبور توسط خانم شیبانی در سال ۱۳۷۸ انجام گرفت و یافته‌های فرهنگی، از جمله سفال و گچ‌بری، در موزه آتشکده نگهداری می‌شوند (شیبانی، ۱۳۷۸). این کشفیات نشان می‌دهند که بی‌تردید بنای مزبور متعلق به دوره ساسانی است (تصویر ۷)

قلعه طَبْرَک. طبرک^{۱۳}، به گفته خالق مرآة البلدان (۱۳۶۸، ج ۴، ص ۲۳۹)، به معنی کوه کوچک می‌باشد،

^{۱۳} طبرک یا به زعم نگارنده همان تپورک، مصغر طبر یا تپور به معنی کوه است و کلا از این نام، مفهوم کوه کوچک مستفاد می‌گردد. این قلعه که روزگاری در این مکان وجود داشته، اکنون به کلی ویران شده است (م).

پاره‌ای از کتب ۵۸۹ هجری قمری است (سلجوقنامه، ۱۳۳۲، ص ۹۰ و راحة الصدور و آية السرور، ۱۳۳۳، ص ۳۶۶ در کریمان، ۱۳۴۵، ص ۵۱۴-۵۱۵) (تصویر ۸).

برج طغرل. در مشرق ابن بابویه در میان باغی که از باغ بزرگ طغرلیه سابق باقی مانده است، یک برج مدور آجری قرار دارد که جبهه خارجی آن را به صورت مقرنس دارای ۲۴ ترک ساخته‌اند و منسوب به آرامگاه طغرلبیک، آخرین شهریار سلجوقی (۵۷۳-۵۹۰ هجری قمری)، می‌باشد و هرچند منسوب به طغرل است لکن ساختمان اصلی آن به آثار قرن هفتم هجری شباهت دارد. از گنبد مخروطی شکل و کتیبه و تزئینات بالای برج اثری نمانده است، همچنین، قسمت زیادی از بالای آن را هم به تدریج برای استفاده از آجرهای آن منهدم ساخته بودند (مصطفوی، ۱۳۶۱، ص ۱۴۵). این یادگار عصر سلجوقی به بلندی ۲۰ متر می‌رسد و ضخامت دیوار آن از ۱/۷۵ تا ۲/۷۵ متر متغیر است و دارای قطر داخلی ۱۱ متر و قطر خارجی ۱۶ متر می‌باشد. ترکهای این برج علاوه بر زیبایی و استحکام بخشی به بنا، احتمالاً نشان دهنده وقت در طول روز نیز بوده است. در قسمت فوقانی برج، تزئینات و کتیبه‌ای به خط کوفی وجود داشته که طی قرون گذشته از بین رفته است (قلمی، ۱۳۸۸، ص ۱۷). ظاهراً قدیمی‌ترین منبعی که در آن از مقبره طغرل سلجوقی سخن رفته

دوم از خاندان باوندیه از ملوک طبرستان که در فتح ری از وی استمداد کرده بود، به زبانش گفت که: «قلعه طبرک را عمارتی دیگر خواهم کرد» (ابن اسفندیار، ص ۱۵۷). لکن اصفهبد وی را گفت: «باید آنرا پست کرد که نامبارک قلعه‌ای است». بدین موجب سلطان طغرل عزم کرد که قلعه را چنان خراب کند که دیگر عمارت نپذیرد. پس سران لشکر را بخواند و پرسید: «این قلعت به چه مانند است». از آنان هر کس سخنی گفت و هیچ‌یک وی را موافق نیفتاد و سپس خود چنین گفت: «ماری دو سر را ماند که سری در عراق دارد و آنجا را می‌خورد و سر دیگر به خراسان و آن حدود را می‌بلعد. مصلحت است که آنرا از بن برکنم». وی را گفتند: «یکبار به بام آن بر شو و بعد آنچه خواهی کن». گفت: «شاهان پیشین را زیبایی چشم‌اندازهای اطراف از فراز قلعه از خرابی آن مانع می‌آمد و من پیش از این کار خراب خواهم کرد.» پس بفرمود تا ذخایر را از سلاح و آلات حرب بیرون بردند و مردم ری را رخصت داد تا بدانجا شوند و هرچه بیابند ببرند. این غارت روزی چند دوام یافت، سپس غارتیان را امر داد تا قلعه را پست کنند، آنان نیز کلنگ برداشتند و قلعه را در هم کوفتند. طغرل تا یکسال هر بار که بدان حدود گذر می‌کرد امر می‌داد تا آنچه از آثار قلعه بازمانده بود در هم بکوبند، بدین طریق از این دژ عظیم، زمینی خالی بیش نماند. این واقعه به سال ۵۸۸ هجری قمری بود و در

(پازوکی، ۱۳۸۵؛ قلمی، ۱۳۸۸، ص ۱۰). گرچه در منابع مورد استفاده هیچگونه ذکری از آغاز احداث و نام سازنده آن وجود نداشت، ولی به احتمال قریب به یقین قدمت آن به قرون پیش از اسلام می‌رسد. دلیل این دعوی آنکه این بارو به گرد ری برین یا ری پیش از اسلام ساخته شده که آن بخش را در زمان فتح ری به فرمان سردار عرب تخریب کردند و به کنار آن شهری نو ساختند و سپس مهدی، خلیفه عباسی، در مشرق شهر جدید محمدیه را طرح افکند. نیمه شرقی باروی قبل از اسلام، محمدیه را از سوی مغرب حمایت می‌کرد و مهدی عباسی ظاهراً نخستین کس است که پس از اسلام باروی ری را تعمیر کرد (کریمان، ۱۳۴۵، ص ۳۵۰). در مجمل التواریخ و القصص آمده است (۱۳۱۸، ص ۵۲۵): «پسر منصور، مهدی، به فرمان پدر آنجا رفت بر عزم خراسان و دیوار شهر بفرمود کردن و بسیاری زیادت اندر گرفت و قصرها کرد و شهرستان و مسجد جامع و به نام خود محمدیه نام کرد این جایگاه که اکنون ری زیرین است و شهر قدیم اول خراب گشت... و ابتداء این عمارت در شهر سنه اثنین و خمسین و مایه بود». در زمانهای بعد نیز باروی ری کراراً مورد مرمت قرار گرفت و به ویژه در زمان بوئیان که ری برین باستانی از نو ساخته شد، چنانچه یاقوت نوشته است که فخرالدوله قلعه ری باستانی را تعمیر و مرمت کرد (معجم البلدان، ج ۳، ص ۸۵۵). در دوره

است، کتاب النقص است که می‌گوید (۱۳۳۱، ص ۶۳۱): «عجب است که گورخانه سلطان کبیر سعید طغرل رحمه الله باری به ری ندیده است با چندین زینت و آلت بعد از صد سال...» و در جایی دیگر ذکر شده (ص ۶۷۲): «جامعی که در گنبد طغرل نهاده به خط مرتضی علم الهدی...» صاحب مجمل التواریخ و القصص نوشته است (۱۳۱۸، ص ۶۶۵): «سلطان طغرل بیک به شهر ری وفات رسید و تربتش آنجا بر جای است...» ناصرالدین شاه در پایان سی و ششمین سال پادشاهی، به سال ۱۳۰۱ هـ.ق این بنا را که در حال انهدام و ویرانی بود تعمیر کرد (رک. به کریمان، ۱۳۴۵، ص ۶۶۱). (تصویر ۹)

باروی ری. بقایای باروی ری که قسمتی از آن به طول ۴۵۳ متر در بالای کوه چشمه‌علی و شرق کارخانه گلیسیرین موجود است، محدوده ری پیش از اسلام را نشان می‌دهد. این بارو از چشمه‌علی شروع می‌شد و تا قلعه گبری ادامه می‌یافت و از قلعه گبری به سوی شمال غرب تا در انتها به دژی بلند چهارگوش می‌رسید و از آنجا به سمت شرق تغییر مسیر می‌داد تا به چشمه‌علی منتهی می‌گردید و تشکیل مثلثی را می‌داد که به نقل از مورخین، حدود ۱۲۰۰۰ گام طول داشته است و در فتح ری توسط اعراب تخریب گردید. بقایای کامل پی‌های آن، ظاهراً، تا آغاز عهد قاجاریه بر جای بوده است. مصالح به کار رفته در بنا خشت و گل می‌باشد

سلجوقی، بر طبق کتاب النقض (ص ۲۲): «امیر ابوالفضل عراقی در عهد سلطان طغرل کبیر مقرب و محترم بود. باروی شهر ری او کرد». کریمان در قدمت این باروی عظیم معتقد بود (ص ۳۵۲) که احتمالاً در عصر ارشکیان که این شهر به پایتختی رسیده بود، وجود داشته است (تصویر ۱۰).

محوطه و برج نقاره‌خانه یا بزرجمید. آثار معروف به نقاره‌خانه در فاصله دو کیلومتری جنوب غربی بی‌بی‌شهربانو در دامنه کوه مشرف به کارخانه مواد نسوز امین آباد قرار دارد. این آثار در محوطه‌ای وسیع و مدور به قطر بیش از ۳۶ متر قرار گرفته‌اند و نیمی از دیواری که آنها را محصور می‌نمود به پیروی از وضع طبیعی کوه متدرجاً رو به بالا می‌رفته، بطوریکه وسط قسمت شمالی حصار مرتفع‌ترین نقطه این دیوار بوده است و نیمه جنوبی حصار بر روی شالوده‌ای که از پایین کوه با سنگ و گچ ساخته بودند استوار می‌گشته است. در میان این برج وسیع بنای شیوایی از آجر و گچ ساخته بودند که اکنون آثاری از بنیاد آن باقی است. در وسط بنای آجری دو حفره به صورت دو مدفن رو به قبله داخل صخره اینجاد نموده، سنگ طبیعی کوهستان را کنده‌اند... در اطاقهای جنب برج وسیع مزبور و در میان شالوده‌های قسمت جنوبی محوطه مزبور هم مقابر دیگری ترتیب داده بودند. همچنین، برج کوچکی در این محل، بالای دامنه کوه قرار دارد که از سنگ و

گچ و آجر ساخته شده و تصور می‌شود مربوط به عهد سلجوقیان باشد و حتی شاید قبری از عهد دیلمیان در کوه بوده که بنای این برج را اعقاب متوفی بعداً ساخته یا تزیین کرده باشند (مصطفوی، ۱۳۳۴، ص ۱۹-۲۲). در خصوص این مقبره، نگارنده سیاست‌نامه آورده است که (۱۳۳۴، ص ۱۶۹): «در شهر ری به روزگار فخرالدوله که صاحب عباد وزیر او بود، گبری بود توانگر که او را بزرجمید گفتندی و بر کوه طبرک استودانی کرد از جهت خویش و امروز برجایست و اکنون آنرا دیده سپاه‌سالاران خوانند بر بالای گنبد فخرالدوله نهاده است و بسیار رنج و زر هزینه کرد بزرجمید تا آن استودان بدو پوشش بر سر آن کوه تمام کرد و مردی بود که محتسبی کردی، او را با خراسان گفتندی؛ آنروز که آن استودان تمام شد به بهانه بر آنجا شد و بانک نماز بکرد بلند، استودان باطل گشت. بعد از آن استودان را دیده سپاه‌سالاران نام کردند...» (تصویر ۱۱)

دژ رشکان یا ارشکیان. ری در عهد ارشکیان پایتخت بهاری بود و بنابراین، ایشان در این شهر کاخی بنا کرده بودند که امروزه آثارش هنوز برجاست. این کاخ همان دژ رشکان است که مشرف به بقایای باروی شهر و محله چشمه‌علی می‌باشد. بنای این دژ مرکب بوده است از سه قلعه تو در تو که از بالای کوه به سوی دامنه جنوبی امتداد داشته است. امروزه فقط قسمتهایی از آن باقی مانده که

یک چهاردیواری به مساحت حدود ۱۸۰۰۰ متر مربع باقی است با دیوارهای مرتفعی که در بلندترین نقطه به حدود ۱۴ متر و در شالوده و پی به حدود ۹ متر می‌رسد به همراه چهار برج دیده‌بانی در چهار گوشه قلعه (کوثری، ۱۳۷۵؛ قلمی، ۱۳۸۸، ص ۱۳). قلعه گبری در دوران اسلامی، دروازه جنوبی باروی ری به شمار می‌رفته است (قدیانی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۷). به گفته قدیانی (ص ۱۵۶): «در برخی از نوشته‌های جغرافیایانویسان و تاریخ‌نگاران بنای باروی ری و به دنبال آن بنای قلعه گبری را به دوران خلیفه المهدی عباسی، سده دوم هجری نسبت می‌دهند. از یافته‌های باستان‌شناختی مشخص می‌شود که بنای باروی ری و این قلعه متعلق به دوره آل بویه است. اما از آنجایی که بر طبق نوشته پیشینیان در دوره اسکندر و حتی پیش از آن در منطقه ماد بزرگ و ری قلعه سازی رواج داشته است و با توجه به اینکه ری در دوران اشکانی پایتخت بهاره بوده و قلعه‌سازی و بارو برای شهرها از ویژگی شهرسازی آن زمان است و با مقایسه باروی ری با باروی اشکانی شهر نسا در خراسان بزرگ و شهرها و قلعه‌های اشکانی در دشت گرگان و نیز انطباق مشخصات قلعه گبری با برج‌های نیم دایره‌ای با ویژگی‌های قلعه‌های ساسانی می‌توان پیشینه قلعه‌گبری را به دوران پیش از اسلام نسبت داد که کاوش‌های قلعه گبری نیز احتمال این فرضیه را تقویت کرده‌اند. این قلعه که نام آن نیز نشانی از

عبارت است از برج دیده‌بانی بالایی کوه، بقایای دامنه جنوبی و بقایای دیوار و برج دیده‌بانی غربی که دارای سوراخ‌هایی جهت پرتاب تیر و کمان است. دژ رشکان دارای ساختاری متشکل از سنگ و ساروج می‌باشد و از قلاع محافظ هسته اولیه ری به شمار می‌رفته است (افروند، ۱۳۸۵؛ قلمی، ۱۳۸۸، ص ۸). به گفته کریمان (ص ۳۴۸): «از سوی جنوب-چنانکه هنوز آثار آن باقی است-سه باروی درونی و میانی و بیرونی از آن حمایت می‌کرده است». نگارنده درالتیجان از قول یکی از مورخین عصر ارشکیان آورده است (ص ۱۳۱-۱۳۲): «پادشاهان اشکانی با سلیقه و ذوق بودند و به سبک سلاطین سلف یعنی کیان میل زیاد به ساختن عمارات و ابنیه و طرح باغات و بساتین داشته و حدائق و بیوتی که آباد می‌نمودند، از فرط آراستگی و صفا بهشت می‌نامیدند و دارای چند شهر سلطنتی بودند... شهر دیگر که مختار اشکانیان گردید، ری بود.» (تصویر ۱۲)

قلعه گبری یا گبرها. این قلعه در دامنه شمالی کوه ری، در آن حدود که مزار بی‌بی‌شهربانو و کوه طبرک در سوی جنوبی آن قرار دارد واقع است. پیروان مذهب زردشت در آنجا اجساد مردگان خود را تقدیم سگان گوشتخوار و طیور شکاری می‌کردند (کریمان، ۱۳۴۵، ص ۴۷۹). ظاهراً این دخمه کهنه و قدیمی است و گویا تاریخ آن به عهد ساسانیان و یا جلوتر می‌کشد (همانجا، ص ۴۸۰). از آثار معماری آن تنها

این پیشینه دارد، در دوران اسلامی مرمت، بازسازی و تغییر یافته است.» (تصویر ۱۳)

محوطه و گنبد اینانج. این بنا در پای کوه طبرک و کمی پایین‌تر از برج بزرجمید (برج نقاره‌خانه) واقع شده است. بقایای این برج محوطه وسیع و مدوری به قطر ۳۶ متر و به صورت ۱۲ ضلعی را تشکیل می‌دهد که نیمی از دیواره آن محصور و به تبعیت از کوه بالا رفته و نیمه دیگر آن پایین کوه بنا شده است. دور تا دور آنرا چند اتاق در برگرفته و در وسط نیز بقایای اصلی برج قرار دارد. کاوش‌های انجام شده توسط پروفیسور اریش اشمیت نشان می‌دهد که این برج در واقع گورستان سلطنتی بوده و آثار باارزش و خصوصاً قطعات پارچه متعلق به دوران آل بویه از این مکان بدست آمده‌اند. بنابراین، اثر تاریخی مزبور به گورستان سلطنتی آل بویه شهرت یافته است. نام اینانج نیز مربوط به یکی از فرماندهان ری در زمان سلطان سنجر سلجوقی است^{۱۴} که در این محل آرام گرفته است (قلمی، ۱۳۸۸، ص ۱۵-۱۶). ابن اسفندیار در تاریخ طبرستان آورده است (ص ۱۱۱): «سنقر اینانج را غلامان او به ری بکشتند و اتابک ایلدگز و

محمد و سلطان ارسلان بر در ری بودند، او را دفن کردند به پایان کوه طبرک، هنوز گنبد او معمور است...». واقعه قتل اینانج به سال ۵۶۴هـ.ق بود. درباره محل قتل وی در سلجوقنامه (ص ۸۱) نوشته شده است: «چون روز شد اینانج را کشته یافتند در خیمه‌ای که بر دروازه دولاب بزه بود در پس سور شهر...». (تصویر ۱۴)

چشمه‌علی ری. این محله که دارای چشمه آب زلالی در پای یک صخره بزرگ در میانه شهر فعلی ری است، در گذشته‌های دور منتسب به سورن بوده و ابن حوقل در صورة الأرض (۱۳۴۵، ص ۱۲۱) آن را به نام نهر سورنی نوشته است. اعتمادالسلطنه در مرآة البلدان گفته است (۱۳۶۸، ج ۴، ص ۲۲۱۶-۲۲۱۷): «آب این چشمه از زیر سنگ صلب خارائی که در طرف شمال شهر قدیم ری واقع بوده خارج شده به جانب جنوب جاری می‌گردد. قلعه ری‌بندی که خلیفه مهدی عباسی بنا نمود بالای همین چشمه و روی تخته سنگ بوده است... نیز احتمال می‌رود که قلعه طبرک همین قلعه ری‌بندی بوده باشد و سایرین آن را به این اسم موسوم ساخته باشد...». به هر حال چشمه‌علی ری در سوابق و سولف ایام، آب زیادی داشته چنان که داغی که در سنگ باقی و نمودار است گواهی می‌دهد لکن قنواتی که در بالای آن حفر کرده‌اند آب آن را به قدری کم کرده که در فصل پاییز یک سنگ یا نهایت یک سنگ و نیم آب

^{۱۴} حسام‌الدین سنقر اینانج، از مالیک سنجر، پس از شکست از غزان از خراسان گریخت و به ری آمد و در اواخر عهد سلطان محمد بن محمود از سلجوقه عراق، ری را به دست آورد و والی این دیار شد. او با ارسال هدایایی برای سلطان محمد، سرسپردگی خویش را ابراز کرد و زمانیکه وی بمرد، شهرهای پیرامون ری را نیز مطیع خویش ساخت. اینانج در ۵۸۴هـ.ش به دست غلامانش به قتل رسید و جسدش را در پای کوه طبرک به خاک سپردند (درباره توصیف احوال اینانج رک. به کریمان، ۱۳۴۵، ص ۴۷۰-۴۷۵).

دارد و این آب از موقوفات حضرت عبدالعظیم^ع است... چشمه‌علی فی مابین قصبه شاهزاده عبدالعظیم و آبادی و باغ دولت آباد که از باغات مبارکات دولتی می‌باشد واقع است. فتحعلی شاه که اغلب به چشمه‌علی به تفریح می‌رفتند در سال هزار و دویست و چهل و هشت حکم فرمودند در بالای چشمه‌علی صفحه‌ای را هموار کرده بر روی سنگ تمثال آب پادشاه ذیجاء را با بعضی از شاهزادگان منقور سازند و بعضی اشعار در دور آن صفا کتیبه کرده که از تاریخ این عمل خبر می‌دهد.» (تصویر ۱۵)

درگیری‌های گسترده مذهبی، به ویژه در قرون ۶ و ۷ هجری می‌باشد. در قرون ۷ و ۸ کمتر از ۲۰ درصد محوطه‌ها مسکون بودند که واضح است در نتیجه حملات پی در پی مغولان بوده است. بعد از این دوره و تخریبات ناشی از حملات تیمور، حیات در مابقی استقرارگاه‌ها نیز خاتمه می‌یابد و کمتر از ۸ درصد محوطه‌ها با استقرارهای تیموری تا صفوی (قرون ۸ تا ۱۱ هجری قمری) شناسایی شده‌اند. بعد از این تاریخ، استقرارهای محدودی به چشم می‌خورند (کانینگهام و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۲۳۵-۲۳۶).

آنچه مورخینی چون مسعودی و طبری درباره آتشکده ری نوشته‌اند، شاید به سبب قدمت زیاد این اثر، واضح است که با افسانه‌ها پیوند خورده‌اند. البته اینکه بنای مزبور متعلق به دست کم دوره ساسانی است، با توجه به یافته‌های باستان‌شناختی تردیدناپذیر می‌نماید ولی تاریخ نسبتاً درست احداث آن هنوز مشخص نیست؛ احتمال دارد به دلیل ذکر نام خسرو انوشیروان در اثر مسعودی، بتوان ارتباطی بین این شاه ساسانی و آتشکده ری برقرار نمود. درباره زمان و مکان ساخت قلعه طبرک (تپورک) که اکنون اثری از آن نیست، از نوشته‌های مورخین می‌توان بهره بیشتری برد چراکه عبدالله انصاری دقیقاً به تاریخ احداث آن اشاره کرده که با تاریخی که یاقوت حموی ذکر کرده یکسان است: ۲۷۸ هجری قمری.

بررسی مقایسه‌ای یافته‌های باستان‌شناختی و مکتوبات تاریخی ری

از روی نتایج حاصل از بررسی‌ها و کاوش‌های محوطه‌های دوران اسلامی ری می‌توان تا اندازه خوبی بر وضعیت زندگی مردمان ری، خصوصاً در سده‌های پیش از صفویه، آگاهی یافت. این بررسی که حاصل کار کانینگهام و همکارانش است، نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد محوطه‌ها در قرون ۴ و ۵ هجری قمری مسکون بوده‌اند که احتمالاً نتیجه اصلاحات اقتصادی زمان عضدالدوله دیلمی برای بهبود وضعیت معیشت مردم بوده است. سپس، تعداد استقرارهای منطقه تا حمله مغول به حدود ۶۰ درصد از کل کاهش یافته است که این محصول شرایط نامساعد اجتماعی-اقتصادی وقت، عدم امنیت و

اما، تاریخ ابن اسفندیار در این باره کاملاً افسانه‌ای و نامعتبر می‌باشد. زمان تخریب این اثر نیز بر طبق تاریخ طبرستان، سلجوقنامه و راحة الصدور به دوره طغرل سلجوقی نسبت داده شده که احتمال نادرستی آن کمتر است. همچنین، مکان این قلعه تاریخی، همان کوهی حدس زده می‌شود که نقاره‌خانه و برج اینانج در آنجا واقع هستند. در خصوص هویت برج منسوب به طغرل، اما، سخن کاملاً واضحی در تواریخ دیده نمی‌شود، توگویی توضیح واضحات باشد، لازم دانسته نشده است. از گفته بعضی مورخین همچون قزوینی در النقض و صاحب مجمل التواریخ چنین استنباط شده است که این بنا همان آرامگاه طغرل بیک سلجوقی می‌باشد و از بررسی مقایسه‌ای این بنا و بناهای مشابه بر می‌آید که برج مزبور ظاهراً در سبک معماری خود پیشرو بوده است. در شرح و توصیف باروی ری باستان که توسط اداره میراث فرهنگی، به شکل فعلی، مرمت و بازسازی شده است، مطالبی که در مجمل التواریخ و النقض موجود است، بیانگر و نشانگر دقت بالایی نمی‌باشند ولی با توجه به رویدادهای تاریخی، این برداشت وجود دارد که اثر خشتی مزبور، بقایای باروی باستانی ری بوده است. قدمت این اثر، بر طبق یافته‌های باستان‌شناختی، مربوط به دوره آل بویه معرفی شده است ولی از بررسی مقایسه‌ای آن با نمونه‌های ارشکانی جنوب ترکمنستان و گرگان

اینگونه استنباط می‌شود که به دوره ارشکیان باز می‌گردد. دژ رشکان نیز از آثار باستانی پیش از اسلام ری و بر طبق یافته‌های باستان‌شناختی درست، متعلق به دوره ارشکیان است. نوشته‌های تاریخی نیز این واقعیت را تصدیق می‌کنند. درباره قلعه گبری، اما، فرضیات بسیار است. بعضی از جغرافی‌نویسان و مورخین آن را به دوره محمد مهدی عباسی نسبت داده‌اند. شواهد باستان‌شناختی، قدمت این اثر را دست کم تا دوره آل بویه تأیید می‌نماید. اما، از بررسی مقایسه‌ای این اثر با قلاع ساسانی نیز استنباط می‌شود که قلعه گبری متعلق به دوره ساسانی و یا حتی ارشکانی بوده است. محوطه اینانج بر طبق حفاریات باستان‌شناختی، یک گورستان سلطنتی متعلق به دوره آل بویه است ولی مکتوبات تاریخی توضیح دقیقی درباره آن نمی‌دهند و بیشتر بر روی واقعه قتل سنقر اینانج از دوره سلجوقی تمرکز دارند. محوطه چشمه علی ری نیز بر طبق کاوشهای اشمیت، قدمتی حدوداً هفت هزارساله دارد و نمایانگر یک فرهنگ بسیار مهم از دوره گذار به مس‌سنگی در پهنه مرکز فلات ایران می‌باشد. این محله به سبب چشمه‌ای که در آن وجود دارد، به صورت یک تفریحگاه در نزدیکی حرم عبدالعظیم^ع درآمده است؛ بطوریکه فتحعلی شاه قاجار نقش برجسته ساسانی موجود بر روی صخره این مکان را تسطیح و نگاره خود را

حتی بی سابقه بوده است. مطالعه و بررسی صرف این مکتوبات در زمان حال، بدون حفریات و کشفیات باستان‌شناختی، بی‌تردید نمی‌تواند ما را در شناخت و فهم درست و دقیق رویدادهای تاریخی یاری نماید، چراکه مورخین معمولاً به آن دست از وقایع می‌پردازند که به زعمشان سودمند برای خود و عموم می‌باشند و از نگاشتن بسیاری از وقایع که نسبت به آنها بی‌اطلاع هستند یا ذکر آنها را بی‌فایده و یا از سوی قدرتمندان و حاکمان وقت جامعه ممنوع می‌دانند، پرهیز می‌نمایند. در بررسی قدمت و هویت تعدادی از بناهای تاریخی و باستانی ری، میان مکتوبات به جا مانده به مطالبی برخورد کردیم که درستی بسیاری از آنها تردیدآمیز و تعداد زیادی از آنها نیز به کلی مردود و افسانه‌ای بودند ولی کاوش‌های باستان‌شناختی با توجه به یافته‌های فرهنگی می‌توانند بسیاری از ابهامات را کنار زنند و پرده از حقایقی که در پی آنها هستیم بردارند. بنابراین، بررسی‌های متون تاریخی، چه مربوط به دوران اسلامی و چه پیش از اسلام، بدون مطالعه گزارش‌های باستان‌شناسان، نه تنها ثمربخش نیست، بلکه حتی می‌تواند روشی نادرست و گمراه کننده باشد.

حک نموده است که درباره این واقعه، تمام مکتوبات تاریخی، صادق می‌باشند.

نتیجه گیری

پیشینه استقرار در سرزمین ری به دست کم پنج هزارسال قبل از میلاد باز می‌گردد که این با یافته‌های باستان‌شناختی اثبات شده است. اصولاً باستان‌شناسی به ما این امکان را می‌دهد تا درباره ناگفته‌های بسیاری آگاهی یابیم؛ مطالبی که در هیچ‌یک از مکتوبات تاریخی یافت نمی‌شوند. اینطور که از شواهد پیداست، مردم ایران بیش از آنکه علاقمند به نگاشتن و ثبت داستان‌های مذهبی، حماسی و رخدادهای زمانشان بوده باشند، به بازگویی شفاهی آنها می‌پرداختند و همین باعث شده است که تا پیش از سقوط ساسانیان، این کشور، خصوصاً از نظر مکتوبات تاریخی فقیر باشد؛ البته بعضاً دلیل آنرا به آتش کشیدن کتاب‌خانه‌های ایران در زمان حملات عربها ذکر کرده‌اند که تا کنون این نظر کاملاً تصدیق نشده است. اما، ورود لشگریان عرب به این خاک و وارد کردن ایدئولوژی اسلامی، یعنی برابری و برادری دینی، که با احساس بی‌هویتی ملی فرهیختگان ایرانی همراه بود، میل برای تاریخنگاری و ثبت وقایع را به وجود آورد. طبری یکی از مورخین بزرگ این دوره است که کتاب تاریخش را از زمان آفرینش آغاز کرده که می‌توان ادعا کرد تا آن زمان در ایران کم‌سابقه و یا

تشکر و قدردانی

این مقاله، پژوهشی بود در راستای باستان‌شناسی از دیدگاه متون اسلامی که برای استاد، آقای دکتر محمد مرتضایی انجام دادم. از ایشان برای مطالعه این مقاله و گوشزد کردن بعضی کمی و کاستی‌های آن که تا جای ممکن برطرف نمودم، صمیمانه سپاسگزارم.

منابع^{۱۵}

ابن اثیر، عزّ الدین (۱۳۷۰). تاریخ کامل. ترجمه سید محمدحسین روحانی. جلد‌های چهارم، پنجم و هفتم. انتشارات اساطیر، تهران.

ابن اسفندیار، محمد بن حسن (۱۳۳۰). تاریخ طبرستان. به تصحیح عباس اقبال، تهران.

ابن حوقل (۱۳۴۵). صورة الأرض. ترجمه جعفر شعار. بنیاد فرهنگ، تهران.

ابن فقیه، ابی‌بکر احمد بن محمد الهمدانی (۱۳۰۲ هـ.ق). مختصر البلدان. لیدن.

اسفندیاری، اذرمیدخت (۱۳۷۸). جایگاه فرهنگ چشمه علی در فلات مرکزی ایران. پژوهشگاه میراث فرهنگی، تهران.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳). تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران. به تصحیح میر هاشم محدث. امیرکبیر، تهران.

اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۸). مرآة البلدان. به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۰۸-۱۳۱۱ هـ.ق). درالتیجان فی تاریخ بنی الاشکان. تهران.

افروند، غدیر (۱۳۸۵). گزارش کاوش در دژ رشکان شهر ری. آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران (منتشر نشده).

افروند، غدیر و خسرو پوربخشنده (۱۳۸۱). گزارش پژوهشی بررسی و شناسایی آثار باستانی و تاریخی - فرهنگی حوزه فرمانداری ری. چهارجلد. آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران.

امیری، احمد (۱۳۷۶). گزارش مقدماتی از عملیات جستجو و گمانه‌زنی در محوطه کانون فرهنگی - تربیتی سمیه شهر ری. سازمان میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).

امیری، احمد (۱۳۷۰). گزارش مقدماتی از عملیات جستجو و گمانه‌زنی در دو محوطه پارک وحدت و پژوهشگاه شهید رجایی شهر ری. سازمان میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).

^{۱۵} منابعی که با علامت ستاره (*) مشخص شده‌اند جدیدتر از منابع قدیمی‌تری که در متن از آنها استفاده شده می‌باشند و برای استفاده از ترجمه و یا تطبیق بعضی از متون از آنها استفاده شده است.

خواجه نظام الملک (۱۳۳۴). سیاست‌نامه. به کوشش مرتضی مدرسی چهاردهی. از روی نسخه شفر پاریس ۱۸۹۱، تهران.

دارمستتر، جیمز (۱۳۴۲). *وندیداد*. ترجمه موسی جوان. تهران.

رازی، نجم الدین (۱۳۱۲). *مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد*. به اهتمام شمس العرفا. تهران.

راوندی، محمد بن علی بن سلیمان (۱۳۳۳). *راحه الصدور و آیه السرور*. به تصحیح محمد اقبال. تهران.

رضایی‌نیا، عباس (۱۳۸۵ الف). گزارش تعیین عرصه و حریم محوطه باستانی انیس‌آباد شهرستان ری. آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران (منتشر نشده).

رضایی‌نیا، عباس (۱۳۸۵ ب). گزارش تعیین عرصه و حریم محوطه باستانی خانلق شهرستان ری. آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران (منتشر نشده).

رضایی‌نیا، عباس (۱۳۸۵ پ). گزارش تعیین عرصه و حریم محوطه باستانی شمس‌آباد شهرستان ری. آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران (منتشر نشده).

رضایی‌نیا، عباس (۱۳۸۵ ت). گزارش تعیین عرصه و حریم محوطه باستانی طالب‌آباد شهرستان ری. آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران (منتشر نشده).

امین احمد رازی (بدون تاریخ). *هفت اقلیم*. به تصحیح جواد فاضل. تهران.

انصاری، خواجه عبدالله هروی (۱۳۴۱ ه.ق). *طبقات الصوفیه*. به تصحیح و تعلیق و تحشیه عبدالحی حبیبی قندهاری.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴). *فتوح البلدان*. ترجمه آذرتاش آذرنوش، تصحیح علامه محمد فرزاد. سروش، تهران.

بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد (۱۳۵۳). *تکلمه و ترجمه تاریخ طبری*. جلد دوم. به تصحیح محمد تقی بهار، به کوشش محمد پردین گنابادی. تهران.

ترپتو، تانیا (۱۳۹۳). *شهر ری در دوران اسلامی (بر اساس یافته‌های اریخ اشمیت)*. ترجمه صمد علیون و علی صدراپی. پروژه ترجمه حسنلو. تبریز.

پازوکی، ناصر (۱۳۸۵). «حفاظت و مرمت باروی قدیم ری (محدوده چشمه‌علی)». اثر، پژوهشگاه میراث فرهنگی، شماره ۴۰ و ۴۱، ص ۲۰۴-۲۱۹.

جامی، مولانا عبدالرحمن بن احمد (۱۳۳۶). *نفحات الانس من حضرات القدس*. به تصحیح مهدی توحیدی پور. تهران.

چوبک، حمیده (۱۳۷۲). *گورستان آل بویه ری*. آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).

حدود العالم (۱۳۶۲). نویسنده مجهول به کوشش منوچهر ستوده. طهوری، تهران.

باستان‌شناسی، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران.

قدیانی، عباس (۱۳۷۹). *جغرافیای تاریخی ری*، «رگا». نشر آرون، تهران.

القزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۹۶۰). *آثار البلاد و اخبار العباد*. بیروت.

قلمی، غلامرضا (۱۳۸۸). *ری در آینه تاریخ*. معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۲۰، تهران.

قطب العارفین مولانا میرزا زین العابدین شیروانی (۱۳۳۹ هـ.ق). *ریاض السیاحه*. به تصحیح و مقابله مرحوم اصغر حامد ربانی. انتشارات سعدی، تهران.

کابلی، میرعابدین (۱۳۷۸). *بررسی باستان‌شناسی قمرود*. سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

کانینگهام، رابین، فیروز مهجور، حسن فاضلی نشلی، حسین صدیقیان و ستار خالدیان (۱۳۹۰). «دشت تهران در دوران اسلامی». *مطالعات ایرانی*، شماره ۲۰، ص ۲۱۷-۲۴۴.

کتاب مقدس (۲۰۰۷). انتشار یافته در استانبول، ترکیه.

کلاویخو (۱۳۳۷). *سفرنامه کلاویخو*. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران.

کریمان، حسین (۱۳۴۵). *ری باستان*. انجمن آثار ملی، تهران.

سید احمد بن سید زینی (۱۳۳۰ هـ.ق). *فتوحات الاسلامیه*. مصر.

شیبانی، فیروزه (۱۳۷۸). *تپه میل*. آگاهی‌نامه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، شماره ۳۶، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی.

شیروانی، زین العابدین (۱۳۳۹ هـ.ق). *ریاض السیاحه*. تصحیح و مقابله اصغر حامد ربانی. انتشارات سعدی، تهران.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۲). *تاریخ طبری*. انتخاب و شرح از جعفر شعار و محمود طباطبایی. چاپ و نشر بنیاد، تهران.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۳۴). *تاریخ طبری* به انشای ابوعلی محمد بلعمی. چاپ عکسی از روی نسخه محفوظ در آستان قدس. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.

عبدالجلیل رازی قزوینی (۱۳۳۱). *النقض*. به تصحیح دکتر محدث ارموی. تهران.

علاء الدین عطاء الملک بن بهاء‌الدین محمد بن جوینی (۱۹۱۱-۱۹۳۷). *تاریخ جهانگشا*. به اهتمام محمد بن عبدالوهاب قزوینی. لیدن.

غیاث الدین بن همام الدین خواندمیر (۱۲۷۳ هـ.ق- ۱۲۷۱ هـ.ش). *حبیب السیر فی الاخبار افراد البشر*.

فاضلی نشلی، حسن (۱۳۷۷). *بررسی استقرارهای دوران نوسنگی و کالکولیتیک در دشت ری*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، موسسه

مستوفی، حمدالله (۱۳۳۱ هـ.ق - ۱۲۹۲ هـ.ش). نزهة القلوب، المقالة الثالثة. به سعی و اهتمام و تصحیح گای لیسترانج. مطبعه بریل، لیدن.

مسعودی، علی بن حسین، الشافعی (۱۹۸۵). مروج الذهب ومعادن الجوهر. دارالاندلس للطباعة و النشر، بیروت. (ترجمه و نشر از سایت تخصصی تاریخ اسلام و سیره اهل بیت (ع)).

مصدقی امینی، فرشید (۱۳۷۸). گزارش بررسی و گمانه‌زنی باستان‌شناسی در منطقه چشمه‌علی شهر ری. سازمان میراث فرهنگ استان تهران (منتشر نشده).

مصطفوی، سید محمدتقی (۱۳۶۱). آثار تاریخی طهران. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
مصطفوی، سید محمدتقی (۱۳۳۴). بقعه بی‌بی‌شهربانو. گزارش‌های باستان‌شناسی، مجلد سوم.
معین، محمد (۱۳۳۸). مزدیسنا و ادب پارسی. انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

مقدسی (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه علی‌نقی منزوی. تهران. *
المقدسی المعروف بالبشاری (۱۹۰۶). احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم. لیدن.

نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۳۲). سلجوقنامه.
واتسون، اولیور (۱۳۹۳). «ری، از والیس تا واتسون». در: شهر ری در دوران اسلامی (بر اساس یافته‌های

کریمان، حسین (۱۳۴۰-۱۳۴۱). طبرسی و مجمع البیان. جلد ۱ و ۲. انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

کوثری، یحیی (۱۳۷۷). گزارش گمانه‌زنی حسینیة مهربانی‌ها (شهر ری قدیم). سازمان میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).

کوثری، یحیی (۱۳۷۵). «پژوهش در قلعه گبری ری باستان». مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، صص ۴۹۴-۴۵۳.

گیرشمن، رومن (۱۳۷۹). تاریخ ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمود بهفروزی. انتشارات جامی، تهران.

لو استرنج، گای (۱۳۳۷). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، بین النهرین، ایران و آسیای مرکزی از زمان فتوحات مسلمین تا ایام تیمور. ترجمه محمود عرفان. بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

مجله التواریخ و القصص (۱۳۱۸). نویسنده مجهول به تصحیح ملک الشعراى بهار. تهران.

مرتضایی، محمد، علی صدرایی، محمد اسماعیل اسماعیلی جلودار و محمدرضا نعمتی (۱۳۹۳). «کاوش نجات‌بخشی پروژه اتوبان امام علی (ع) در محدوده باروی شهر ری». مجموعه مقالات دوازدهمین گردهمایی باستان‌شناسی ایران. تهران.

and Cultural Complexity: The Neolithic and Chalcolithic Periods in Tehran Plain. PhD Dissertation. University of Bradford.

Schmidt, E. F. (1934a). "The joint Persian Expedition". *The University Museum Bulletin*, 5/2:40.

Schmidt, E. F. (1934b). "The joint Persian Expedition". *The University Museum Bulletin*, 5/3:84-89.

Schmidt, E. F. (1935a). "Excavations at Rayy". *The University Museum Bulletin*, 5/4:25-27.

Schmidt, E. F. (1935b). "The Persian Expedition at Rayy". *Bulletin of the University Museum of Pennsylvania*, 5/5:41-49.

Schmidt, E. F. (1936a). "Rayy Research, Part1". *The University Museum Bulletin*, 6/3:79-87.

Schmidt, E. F. (1936b). "Rayy Research, Part2". *The University Museum Bulletin*, 6/4:41-48.

اریخ اشمیت)، نوشته تانیا ترپتو. پروژه ترجمه حسنلو. تبریز.

واندنبرگ، لویی (۱۳۴۵). *باستان‌شناسی ایران باستان*.

ترجمه عیسی بهنام. انتشارات دانشگاه تهران، تهران. هدایت، رضا قلیخان (۱۳۳۹ه.ق). *روضه الصفاى ناصری*.

یاقوت بن عبدالله الحموی الرومی البغدادی (۱۸۶۶-۱۸۷۰). *معجم البلدان*. طبع افست، به اهتمام کتابخانه اسدی از روی طبع نسخه اروپایی.

یاقوت حموی بغدادی (۱۳۸۰-۱۳۸۱). *معجم البلدان*. جلد دوم. ترجمه علینقی منزوی. سازمان میراث فرهنگی کشور. تهران *

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۲). *تاریخ یعقوبی*. جلد دوم. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

Fazeli Nashli, H. (2001). *An Investigation of Craft Specialisation*



تصویر ۱- موقعیت مکانی شهر ری در نقشه ایران
(نگارنده)



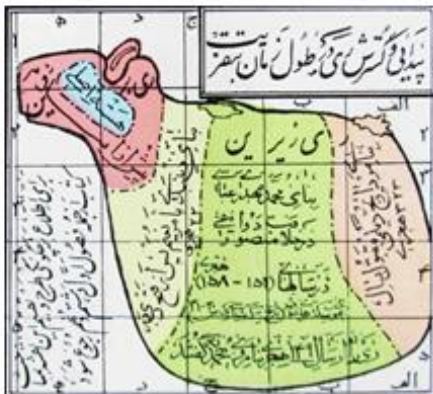
تصویر ۲- کاوش‌های چشمه‌علی ری در دهه ۱۹۳۰ میلادی
(<http://cheshmehali.persiangig.com/image/۲/AncientCheshmehAli۰۴-.jpg>)



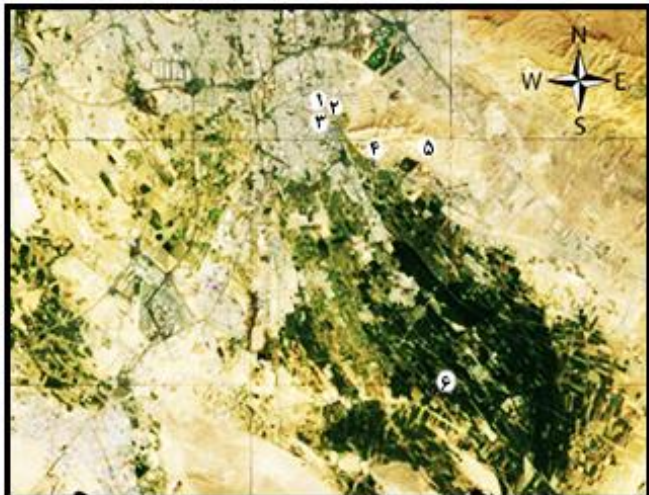
تصویر ۳- نمونه‌ای از سفال شاخص چشمه‌علی ری
متعلق به هزاره پنجم ق.م.
(اسفندیاری، ۱۳۷۸)



تصویر ۴- ری زیرین در جنوب شرقی ری زیرین
(نگارنده، با استفاده از نقشه‌های کتاب ری باستان (کریمان، ۱۳۴۵) و نقشه‌های هوایی گوگل ارث)



تصویر ۵- وضعیت مکانی مذاهب در ری
(کریمان، ۱۳۴۵)



تصویر ۶- نقشه موقعیت برخی از محوطه‌ها و ابنیه باستانی ری
(۱: چشمه‌علی؛ ۲: قلعه اشکانی؛ ۳: برج طغرل؛ ۴: کوه طبرک؛ ۵: بی‌بی شهربانو؛ ۶: آتشکده ری)
(نگارنده، با استفاده از نقشه‌های هوایی گوگل ارث)



تصویر ۷- آتشکده ری

([https://fa.wikipedia.org/wiki/%D%A%AA%D%9B%E%DA%V%9_%D%9A%9D%BA%9D%A%9%9/media/File:Ray%Mil_Hill_\(Tappe-ye_Mil-\).jpg](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D%A%AA%D%9B%E%DA%V%9_%D%9A%9D%BA%9D%A%9%9/media/File:Ray%Mil_Hill_(Tappe-ye_Mil-).jpg))



تصویر ۸- کوه طبرک

(<http://gardeshgariiran.ir/%D%A%A%D%AB%V%D%AA%AC%D%A%9%D%9A%V%D%AA%V%D%AB%V%D%AAAE%D%AA%V%D%A%9%D%AV%D%AA%Z%D%9%9D%AB%V%D%AA%V%D%A%9%9>)



تصویر ۹- برج طغرل سلجوقی

(<http://www.hamshahrionline.ir/details/۹۷۹۶۷>)



تصویر ۱۰- باروی ری و نقش برجسته قاجاری چشمه علی

(<http://henrique.persianblog.ir/post/%E>)



تصویر ۱۱- نقاره خانه

(http://www.iichs.org/magazine/bahar/۷۷/۷۷_Azkhak_۱۵.jpg)



تصویر ۱۲- دژ رشکان یا ارشکیان

(https://fa.wikipedia.org/wiki/%D%A%BE%D%AB%V%D%AA%D%9%D%AA%D%AV%9_%D%AA%D%A%9%D%9%9%D%9%9D%AA%V%D%A%9%9)

